

نگاهی به حضور لشکر ۵۵ ویژه شهدای خراسان در آخرین عملیات برون مرزی دفاع مقدس

طلوع دهمین والفجر در عمق خاک دشمن بعثی

گردآوری: زهرا بیات

در نیمه دوم اسفندماه ۶۶ بود که به لشکر ویژه شهدا مأموریت داده شد از منطقه عملیاتی بیت المقدس ۳ در ماووت عراق، به صورت تعجیلی وارد منطقه حلبچه بشود، طرحی که برای اتصال و رسیدن و الحاق نیروهای رزمنده اسلام و گروه‌های مبارز کرد عراق در مناطق آزادشده ماووت، در عمل متوقف شده و به نتیجه نرسیده بود و سپاه پاسداران تصمیم گرفت ادامه عملیات‌های خودش را در منطقه عمومی حلبچه برای تصرف حلبچه و خرمال و همچنین دریاچه سد دربندی خان دنبال کند. سد دربندی خان منبع مهم انرژی برق عراق بود و محوری از کنار سد می‌گذشت که به‌وسیله یک تونل بسیار راهبردی به‌نوعی جبهه‌های شمالی عراق را به جبهه میانی و جبهه جنوب متصل می‌کرد. هدف آزادسازی شهرهای حلبچه و خرمال و سیدصادق و دجله و بیسار و طوبله و شهرک نظامی شاندری خاور بود. عملیات والفجر ۱۰ ۲۳ اسفند ۶۶ در منطقه عمومی حلبچه‌خورمال و سد دربندی خان عراق با رمز یا رسول... (ص) آغاز شد.

مراحل سه‌گانه عملیات لشکر ۵۵ ویژه شهدا با استعداد ۶۶ گردان پیاده و تیپ ادوات ذوالفقار و همه رده‌های ستادی و پشتیبانی لشکر -به‌ترتیب واردمرسل شدن - به شرح زیر است: **مرحله اول:** عملیات لشکر شهدا، تحت امر قرارگاه ثامن الائمه (ع) از محور نوسود، عبور از مرز و عزیمت به سمت شهر حلبچه بود. شروع عملیات لشکر شهدا در ۲۵ اسفندماه، مصادف با بمباران شیمیایی شدید منطقه به‌ویژه شهر حلبچه بود و به دستور قرارگاه ثامن، لشکر شهدا مأموریت جدیدی نیز یافت و آن امدادرسانی و تخلیه مردم مصدوم کرد عراقی به داخل کشور و برپایی اردوگاه‌های موقت اسکان برای آنان بود. بمباران شدید عراقی‌ها شامل شهرهای حلبچه و دوجبله و مناطق حاشیه آن و روستاهای اطرافشان بود، جنایتی که صحنه‌های دل‌خراش در حلبچه به‌ویژه روستای انب پدید آورده بود. این روستا نزدیک سمراهی بود که به مرزهای ایران ختم می‌شد و مسیر فرار مردم کرد مظلوم بود. این و وحشیگری و جنایت جنگی و نسل‌کشی سبب شد که همه جهان در مقابل صدام و ارتش بعث عراق واکنش نشان دهند و آن را محکوم کنند. این جنایت جهان

صحنه‌های دل‌خراشی داشت که هیچ‌وقت از حافظه جهانیان نمی‌رود، زیرا از شهر حلبچه یک خرابه متروکه برج‌گذاشت. **مرحله دوم:** لشکر شهدا تحت فرماندهی قرارگاه فتح مأموریت آزادسازی ارتفاعات جنوب شهر حلبچه را یافت که همچنان در اختیار عراقی‌ها بود. ادامه عملیات هم به‌سمت سد دربندی‌خان بود. ابتدا ارتفاعات جنوب شهر آزاد شد، ولی ادامه تک به‌سمت دربندی‌خان متوقف شد.

مرحله سوم: پس از آزادسازی دشت شمالی حلبچه و خرمال، لشکر شهدا در ۷ فروردین ۶۷ در قالب قرارگاه قدس سپاه پاسداران مأموریت تصرف تپه ریشن و سپس پدافند از مواضع به‌دست‌آمده را برعهده گرفت که این مأموریت تا ۲۳ تیر ۶۷ به‌طول انجامید. در این تاریخ به دستور قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) همه یگان‌های رزمی که در خاک عراق حضور داشتند، به مرزهای بین‌المللی عقب‌نشینی کردند و در ۲۷ تیر ۶۷ ایران با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در عمل به جنگ پایان داد و به مرحله «نه جنگ و نه صلح» وارد شد.

بعد از آن، دشمنان بعثی با گرفتن چراغ سبز از استیکار جهانی و در سکوت مجامع بین‌المللی به سودای سقوط جمهوری اسلامی در عرض چند روز، تهاجمی وسیع علیه نظام اسلامی را آغاز کردند، از جمله عملیات مشترک مرصاد بین مزدوران منافق خلق و ارتش بعثی بود که با هجوم مردم انقلابی به جبهه‌ها در دفاع از انقلاب و ایران عزیز، همه نقشه‌های آن‌ها نقش بر آب شد.

در عملیات والفجر ۱۰ که حدود ۴ ماه طول کشید (۱۳ اسفند ۶۶ تا ۲۳ تیر ۶۷) بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر از خاک عراق آزاد شد و ۴۴۰ نفر از دشمنان بعثی به اسارت درآمدند که در بین آنان ژنرال‌های بلندمرتبه عراقی‌ها و ششم می‌خوردند. در حاشیه عملیات والفجر ۱۰ یک گردان از ضدانقلابیون کومله موسوم به گردان «شوان» که مقرشان در شهر بیاره عراق بود، به محاصره رزمندگان اسلام درآمد و ۶۰۰ نفر از این مزدوران به‌هلاکت رسیدند و بقیه به اسارت درآمدند. تلفات عراقی‌ها از جمله اسیران و زخمی‌ها و کشته‌ها بیش از ۱۵ هزار و ۴۰۰ نفر برآورد می‌شود و غنائم بی‌شماری از ادوات جنگی عراق به‌دست رزمندگان اسلام افتاد و مقدار بیشتری منهدم شد. متأسفانه در این عملیات، در بمباران‌های وحشیانه عراقی -پیش از ۵۰۰ نفر از مردم غیر نظامی مظلوم کرد به شهادت رسیدند.



مرثیه‌ای بر چشمان آبی حلبچه

بهار با همه زیبایی‌هایش فرا می‌رسید؛ دره شکوفه‌های سیب، دره شکوفه‌های گیلاس، دره شکوفه‌های زردآلو و فرش زمردین تازه‌رسته‌ای که خاک نم‌دار از باران دیشب را کم‌کم می‌پوشاند. باد در گیسوی طلایی دخترکان کرد حلبچه به هنگام بازی موج می‌زد و دستان هنرمند مادر بزرگ‌ها به دعا بلند شده بود.

همه، کوچک و بزرگ، لباس‌های عبیدشان را پوشیده بودند. جمعه بود و انتظار به‌زودی به سر می‌رسید. نوروزی دیگر در راه بود و در این میان خبر آوردند که خبری در راه است. پیچ بزرگ ترها را بچه‌ها می‌شنیدند که «روزهای آزادی نزدیک است. برادران ایرانی دارند می‌آیند تا ما را از دست صدام نجات دهند.»

کوه‌های بلند و به‌یرف‌نخسته به انتظار بودند کسی رزمندگان اسلام بر ستیغشان فراز می‌آیند و سرود رهایی سر می‌دهند و چه زود اتفاق افتاد. صدای سرودهای سلحشوران رزمنده که با بلندگوهای روی خودرو پخش می‌شد، در گوش کوه‌ها پیچید. سیل مشتاقان از هر ۲۰ سوباهم تلافی کرد، مردم کرد حلبچه با بهترین آرزوها برای برادران ایرانی‌شان آمدند؛ برادرانی که در میان‌شان چهره‌های آشنای فرزندان مبارز و مجاهد کرد نیز دیده می‌شد. مردم با کاسه‌های ماست و شیر و نان داغ در دست به استقبال آمده بودند و رزمندگان ایرانی با آرزوی آزادی از یوغ صدام بعثی به پیش می‌آمدند. این روز می‌توانست پایان جنگ و باشکوه‌ترین روز حلبچه باشد که در تاریخ ثبت می‌شود، اما صدام آن را به روز فاجعه حلبچه تبدیل کرد.

سایه شوم هواپیماهای عراقی آسمان حلبچه را تار کرد، بمب‌های شیمیایی اهدایی استیکار خیره‌سر فرود می‌آمدند. صدام شخصا پسرعمویش، ژنرال علی حسن‌المجید، را مأمور کرده بود



گروه شناسایی‌های برد بلند اطلاعات عملیات لشکر ۵۵ ویژه شهدا، قبل از عملیات والفجر ۱۰ در ارتفاعات سورن عراق و دشت حلبچه ملیس به‌لیاس کردی در آستانه غاری که محل اختفاء و استقرار گروه شناسایی بود. نفر اول ایستاده از راست مرحوم کاک محمد مترجم و راهنمای کرد اطلاعات عملیات لشکر شهدا بود.



سیدمجید ایافت
مسئول واحد
اطلاعات عملیات
لشکر ۵۵ ویژه شهدا
در عملیات بدر

عیدی و پادشای آزادی مردم حلبچه را بدهد. مردم کرد عراق حتی کوچک‌ترین بچه‌ها هم این ژنرال را می‌شناختند، البته به‌نام «علی شیمیایی» که قصاب ویژه نسل‌کشی مردم کرد بود. دیگر از صدای شادی و سرودهای حماسی خبری نبود، صدای آژیر آمبولانس‌های انباشته از مصروح بود که به‌نحوی موفق شده بودند خود را تا مرزهای ایران برسانند. هر خودرویی که به‌سمت ایران بازمی‌گشت، مملو از مردم مجروح حلبچه بود و در جهت برعکس آنان خودروهای اطفای حملات شیمیایی و نیروهای تازه‌نفس ایرانی به داخل عراق روان بودند.

نفس کشیدن برای مردم مظلوم حلبچه مشکل شده بود، اما خیلی‌ها که با بمب‌های شیمیایی سیانور مصدوم شده بودند، در لحظه جان دادند. بادم نمی‌رود خانواده‌ای که برای فرار به‌سمت ایران خود را تا روستای مزی «انب» حلبچه رسانده بودند و همه اعضای خانواده از پدر بزرگ و مادر بزرگ تا پدر و مادر خانواده و بچه‌های سر و نیم‌سرشان در پشت وانتی مظلومانه به شهادت رسیده بودند. پسرک این خانواده از عشق و تشنگی مصدومیت شیمیایی به‌سوی حوضچه‌ای در کنار جاده سینه‌خیز رفته بود. رد ناخن‌هایش دل‌سخت سیمان لبه حوض را شکافته، ولی نتوانسته بود دست‌های کوچکش را برای جرعه‌ای به آب برساند. هرگز فراموش نمی‌کنم، دخترکی را که آن‌سوی خودرو انباشته از پیکر خانواده از نفس افتاده‌اش، چشم در چشمان من دوخته بود. با لباس پولک‌دوزی سبز و قرمز و آبی عیدش درحالی‌که آخرین نفس‌های درناکش را می‌کشید، مستقیم نگاهم می‌کرد، ولی رمقی برای کمک خواستن نداشت. هرگز چشمان آبی‌رنگ بی‌رمق او را فراموش نمی‌کنم؛ چشمان حلبچه را.



گروه شناسایی‌های برد بلند اطلاعات عملیات لشکر ۵۵ ویژه شهدا بر فراز قله بربرف سورن، قبل از عملیات والفجر ۱۰، فردی که پرچم جمهوری اسلامی را بر فراز این قله به اهتزاز در آورده است یکی از مجاهدان حزب اللهوه عراق است که برای مبارزه با صدامیان همراه گروه‌های شناسایی به داخل عراق وارد می‌شود.

عملیات کوچکی که فتح‌المبین بزرگ را نجات داد

نیروهای کلاه‌سبز عراقی به خاک‌ریز ما نفوذ کردند، اما در حین بالا آمدن از خاک‌ریز، سرباز نگهبان و دیدم‌بان ما متوجه خش‌خش حرکت نیروی عراقی شد و ناگاه فریاد کشید، چنان‌که بقیه هوشیار و متوجه حمله عراق شدند و تیراندازی با همه امکانات به‌طرف دشمن شروع شد. ساعت ۵ صبح وقتی هوا گرگ‌ومیش شده بود، متوجه اجساد عراقی‌ها و مجروحانی شدید که روی زمین ناله می‌کردند و مزدورانی که در حال فرار و عقب‌نشینی بودند.

ساعت ۱۰ صبح اجساد عراقی‌ها بر اثر گرمای شدید هوا متعفن شده بود و بوی تعفن منطقه را فرا گرفته بود، اما معجزه اینکه بحمد...! آن شب ما فقط یک نفر مجروح در گردان داشتیم. مقاومت دلیر مردان گـردان ۲۱۴ باعث شد که فردای آن روز عملیات فتح‌المبین آغاز شود. ۲۰۰۰ کیلومتر مربع از خاک میهن عزیز آزاد شود و ۴۰۰۰ دستگاه تانک و نفر به غنیمت گرفته شود و تعداد زیادی از مزدوران عراقی نیز به اسارت درآمد.



سروان جناب
عباسعلی کشاورز

پیشروی نیروهای خودی چنان برق‌آسا و سریع بود که هم سایات‌های ۴ و ۵ نیروی هوایی به تصرف رزمندگان اسلام درآمد و هم کیلومترها به پیشروی ادامه دادند و سرزمین مقدسان را آزاد کردند.

آیا این مقاومت دلیرانه گردان در جایی از تاریخ ثبت شد؟ نه آن چنان که باید. حال که مجالش دست داده است، قدری هم از دلاورمردی‌های خلبانان هوانیروز شجاع ارتش نیز سخن بگویم. در آن روز گسترش نیروهای عراق چنان بود که در ارتفاعات مقابل ما مستقر شدند و از لحاظ عوارض زمین مشرف به ما بودند و از ارتفاعات با موشک مایوتکا، تانک‌ها و نفربرهای ما را هدف می‌گرفتند. در این موقع یکی از خلبانان شجاع ما با پشتیبانی ۱۱ بالگرد دیگر و زیر آتش تهیه آن‌ها از سطح زمین داخل شیار به‌سرعت به‌طرف عراقی‌ها یورش برد. سپس از سمت راست تانکی که به ما موشک شلیک می‌کرد، حرکت کرد و نتوانست آن را منهدم کند. اما در موقع بازگشت هدف

اصابت تیربار عراقی قرار گرفت و مجبور شد پشت یک تپه بنشیند.

لحظاتی بعد خلبان بالگرد دیگر، خلبان و کمک خلبان محاصره‌شده را نجات و آن‌ها را به محل نیروهای خودی انتقال دادند و از اسیر یا شهیدشدن آن‌ها جلوگیری کردند. از اتفاقات و صحنه‌های شگفتی که در این معرکه رخ داد، یکی آن بود که پره بالگرد ما (بعد از انهدام تانک‌های عراقی) هنگام بازگشت و در حین اوج گرفتن، به‌طور اتفاقی به طناب هدایت موشک مایوتکا گره خورد و مانند یک فلاخن، موشک را به دور خود به چرخش درآورد و به یک طرف پرتاب کرد! این صحنه عجیب همیشه مانند تابلویی که نقاش چیره‌دستی کشیده باشد، در خاطر ما مرور می‌شود. این بنده راوی و شاهد ماجرا، اکنون با خود می‌گویم «خدا یا بنام قدرت‌ت را که در حین تبادل آتش و جنگ چنین صحنه‌های عجیب و شگفت‌آوری خلق می‌کنی. صحنه‌هایی که برای لحظاتی موجب سیر گرمی رزمندگان می‌شد و بر لبان خسته‌شان لیخندی شیرین می‌نشانَد.»

محمد زین‌العابدین

عقیده‌داره‌بدر

تاریخ تولد:

تاریخ تولد:

۱۳۴۷/۱۲/۸

محل تولد:

مشهد

تاریخ شهادت:

۱۳۶۵/۱۲/۲۵

محل شهادت:

شلمچه

نام گلزار:

خواجگاه اباصلت

حسین میرزا

تاریخ تولد:

۱۳۷۱/۱۱/۱

تاریخ تولد:

محل تولد:

مشهد

تاریخ شهادت:

۱۳۶۰/۱۲/۲۵

محل شهادت:

نمایشگاه

نام گلزار:

خواجگاه ربیع

حسین رحمانی

تاریخ تولد:

۱۳۴۸/۶/۲۰

تاریخ تولد:

محل تولد:

مشهد

تاریخ شهادت:

۱۳۶۶/۱۲/۲۵

محل شهادت:

ماووت

نام گلزار:

خواجگاه ربیع

محمدعلی یزدی‌نژاد

تاریخ تولد:

۱۳۴۷/۲/۲

تاریخ تولد:

محل تولد:

مشهد

تاریخ شهادت:

۱۳۶۶/۱۲/۲۵

محل شهادت:

هوانیروز

نام گلزار:

خواجگاه ربیع

محمد فراری سمرقند

تاریخ تولد:

۱۳۴۴/۲/۱

تاریخ تولد:

محل تولد:

مشهد

تاریخ شهادت:

۱۳۶۶/۱۲/۲۵

محل شهادت:

هوانیروز

نام گلزار:

خواجگاه ربیع

محمد گفتنی‌انجمنی

تاریخ تولد:

۱۳۴۷/۱/۱

محل تولد:

مشهد

تاریخ شهادت:

۱۳۶۶/۱۲/۲۵

محل شهادت:

غرب

نام گلزار:

خواجگاه ربیع

شهدای
هفته

۲۵ اسفند ۱۳۶۶

منطقه عملیات:

شمال غرب- حلبچه

نوع یا نام عملیات:

والفجر ۱۰

یگان‌های شرکت‌کننده:

ارتش و هوانیروز و سپاه

نتیجه عملیات:

آزادی ۱۲ هزار کیلومتر از عراق و تصرف شهرهای حلبچه، خرمال و بیاره و طوبله ۵۴۴۰ اسیر و ۱۰ هزار کشته و مجروح. انهدام ۶۰ قیض توپ، ۱۰ فروند هواپیما، یک فروند بالگرد و غنیمت گرفتن ۹۰ دستگاه تانک و نفربر.

۲۶ اسفند ۱۳۵۹

منطقه عملیات:

غرب- گیلانغرب

نوع یا نام عملیات:

چقالوند

یگان‌های شرکت‌کننده:

ارتش و هوانیروز و ژاندارمری و سپاه

نتیجه عملیات:

تصرف ارتفاعات چقالوند همراه با تحمیل ۲۰۰ کشته و ۷۰ اسیر به دشمن. انهدام ۴ دستگاه تانک، یک دستگاه خودرو، یک دستگاه جرتفیل و یک عراده توپ.

۲۸ اسفند ۱۳۶۶

منطقه عملیات:

سومار غرب

نوع یا نام عملیات:

تک محدود

یگان‌های شرکت‌کننده:

ارتش

نتیجه عملیات:

گردان ۳ تیپ ۱۱۲ لشکر ۳۴ عراق به میزان ۸۰ درصد منهدم شد و عراقی‌های زیادی نیز ۴۰۰ نفر کشته و زخمی و مقادیری تجهیزات و ادوات دشمن منهدم یا به غنیمت گرفته شد.

۲۹ اسفند ۱۳۶۶

منطقه عملیات:

جنوب- زبیدات

نوع یا نام عملیات:

تک محدود

یگان‌های شرکت‌کننده:

ارتش

نتیجه عملیات:

گردان ۳ تیپ ۱۱۲ لشکر ۳۴ عراق به میزان ۸۰ درصد منهدم شد و عراقی‌های زیادی نیز ۴۰۰ نفر کشته و زخمی و مقادیری تجهیزات و سر پل ذهاب عملیاتی با عنوان مهدی (عج) انجام داد.

روزنامه
شهرا-سید
وزندگی

۲۲ شنبه

۱۳۹۱ اسفند ۲۵

۱۳۹۲ شنبه ۲۲

۱۳۹۳ شنبه ۲۲

۱۳۹۴ شنبه ۲۲

۱۳۹۵ شنبه ۲۲

۱۳۹۶ شنبه ۲۲

۱۳۹۷ شنبه ۲۲

۱۳۹۸ شنبه ۲۲

۱۳۹۹ شنبه ۲۲

۱۴۰۰ شنبه ۲۲

۱۴۰۱ شنبه ۲۲

۱۴۰۲ شنبه ۲۲

۱۴۰۳ شنبه ۲۲

۱۴۰۴ شنبه ۲۲

۱۴۰۵ شنبه ۲۲

۱۴۰۶ شنبه ۲۲

۱۴۰۷ شنبه ۲۲

۱۴۰۸ شنبه ۲۲

۱۴۰۹ شنبه ۲۲

۱۴۱۰ شنبه ۲۲

۱۴۱۱ شنبه ۲۲

۱۴۱۲ شنبه ۲۲

۱۴۱۳ شنبه ۲۲

۱۴۱۴ شنبه ۲۲

۱۴۱۵ شنبه ۲۲

۱۴۱۶ شنبه ۲۲

۱۴۱۷ شنبه ۲۲

۱۴۱۸ شنبه ۲۲

۱۴۱۹ شنبه ۲۲

۱۴۲۰ شنبه ۲۲

۱۴۲۱ شنبه ۲۲

۱۴۲۲ شنبه ۲۲

۱۴۲۳ شنبه ۲۲

۱۴۲۴ شنبه ۲۲

۱۴۲۵ شنبه ۲۲

۱۴۲۶ شنبه ۲۲

۱۴۲۷ شنبه ۲۲

۱۴۲۸ شنبه ۲۲

۱۴۲۹ شنبه ۲۲

۱۴۳۰ شنبه ۲۲

۱۴۳۱ شنبه ۲۲

۱۴۳۲ شنبه ۲۲

۱۴۳۳ شنبه ۲۲

۱۴۳۴ شنبه ۲۲

۱۴۳۵ شنبه ۲۲

۱۴۳۶ شنبه ۲۲

۱۴۳۷ شنبه ۲۲

۱۴۳۸ شنبه ۲۲

۱۴۳۹ شنبه ۲۲

۱۴۴۰ شنبه ۲۲

۱۴۴۱ شنبه ۲۲

۱۴۴۲ شنبه ۲۲

۱۴۴۳ شنبه ۲۲

۱۴۴۴ شنبه ۲۲

۱۴۴۵ شنبه ۲۲

۱۴۴۶ شنبه ۲۲

۱۴۴۷ شنبه ۲۲

۱۴۴۸